

نصایح پیامبر

به

فرماندار جوان

آئین مقدس اسلام بر مندر پیش میرفت، بافتح مکه آخرین پایگاه مشرکین جزیره العرب در هم شکسته شد پیامبر اکرم (ص) فرمانداری شهر مازونواسی برستان اعزام نموده، مشاوره اولین حکومت اسلامی جهان را عیر یخت - فرمانداران که از جانب رسول خدا (ص) اعزام می شدند وظیفه قضاوت و آموزش و پرورش عمومی را بر عهده داشتند.

معاذ بن جبل جوان بیست و پنج ساله اساری نیر در سال دهم هجری از اسیر رسول خدا بر فرمانداری یمن و حضرموت منصوب شد و پس از درستی سخن گفتن کرد، پیامبر با اتفاق عدای اذ اصحاب شخصاً فرماندار جوان را بدرقه میفرمودند معاذ بر مرکبی سوار بود و پیامبر و اصحاب پیاده در راه مشایعت می کردند، معاذ در حالیکه ناراحت شده بود عرض کرد یا رسول الله! من سواره و شما پیاده!... گفت گزرا و ایضا... پیشتر فرمود.

معاذ ای رسول خدا! الذی احرام میکنم و این رحمت ترا بحساب اوستی گذارم در حضور رسول خدا آئین فرمانداری و قضاوت را برای او شرح میداد و سایر اصحاب بدقت سخنان آنحضرت را گوش میدادند. اینک متن سخنان پیامبر خدا (ص) ...



هانای معاذ! برای خدا تواضع و فروتنی را پیشه ساز تا خدا ترا بلندتر از همه بندگان سازد و بدون علم و دانش قضاوت نکن (وقتی بدآوری پرداز که حکم و موضوع برایت روشن باشد) اگر مشکلی برای تو پیش آمد پیر مردان پر سبند شرم دار، در کارها شورت کن و بکوش تا احکام خدا را خوب درک

کنی، بر اشی که اگر تو از روی صدق و صفا خواستار کشف حقایق باشی خدا تین نور را همتانی میکند، و بتو توفیق فیمیدن بپیداگر با حق و توست و بر سید و جدیت و کوشش در فهمیدن بازم حکمی را تو افشایی بنامی سیر کن تا دانشمندتر از خود را بیابی و با این بنویسی و به پرسش و از خود را تین و هر چه برستی بپرهیز که پیروی از هوای و هوس شقاوتمند را بدور خ می کشاند.

هانای معاذ! کتاب خدا را بپروم بیاموز و ایشان را با قیافه با ادب آموز. و هر کس را از نیک و بد، بعد از خود بپنداس و فرمان خدا را در باره آنها جاری کن. و در اجرای او اثر پروردگار و همچنین در باره حفظ و حرمت اموال الهی و جلوگیری از حیل و حیل آنها از احدی نترس زیرا نه ساله است و نه فرمان فرمایان تو که رعایت اشخاص را بکنی، اما نیت مردم را با ایشان ادا کن چه کم و چه زیاد، و با آنها بعد از او و نفوذ رفتار کن بدون اینکه حقد را اغماض کنی تا در باره تو بگویند. حقوق الهی را در هر جا میگذارد، و اگر احسانا کاری از تو سرزد که جای خرمه گیری و اشتداد است قبلا از کارمندانت مودرت بخواه تا ایشان نیز اگر اشتیاق کردند لاقبل بند - خواهی کنند.

آداب و سنن زمان جاهلیت را نیاورد کنی مگر آنکه آئین مقدس ما اثر تثبیت فرموده باشد، و احکام اسلام را از کوچک و بزرگ قایم کن تا در باره نماز و عبادت بیشتر مبنی در آور ز بر این از ایمان نمازد را بر کارهای و اسیر قرار ده، و هر چه را با خدا و پرورد قیامت انداز، خود به مواظب و سیاح خویش عمل کن تا مردم نیز از این حرمین گرفته و در کارهای خیر تقویت شوند.

هانای معاذ! مسلمانان را تمام اموال گناهان و در میان همه توده ملت گسیل دار تا همگان علم و دانش آموزند، و خدائی که در آن گذشت توبه می اوست شد کنی کن و در باره خدا از ملائمت و سر دشت ملائمتگران پروا ندارد.

معاذ! تراستاد شی بکنم بشقوی و بهر آنچه زنگاری و تمام ستر در گشتار، و دغاه بپند، و اداء امانت و ترک خیانت و نرس در کلام و سباحتی کن بدین معنی که آن، و نیکو داری حقوق مسلمانان و ترحم بر یتیمان و حسن عمل بکونه کن در آن سال و آرزوها و نرس از حساب و ملائمت امانت، و فهم و فقه قرآن و فز و بریدن خشم و تو اسع و فروتنی.

هانای معاذ! بپرهیز از اینکه مسلمانان را سر اگوشی با از گناهکاران فرمان بری و با بدخواه و امام عادل را با فرمانی کنی، و با راستگویی را تکفیب نموده دروغ گو را تصدیق نمائی، و بالاخره در هر حال با خدا باش و از هر گناه و لغزشی توبه نموده سوی خدای بر گردان گناهان محقق در خفا و از گناهان آشکار آشکارا توبه کن. (۱)

۱ - الاستیعاب، سفینه البحار، تحف العقول.